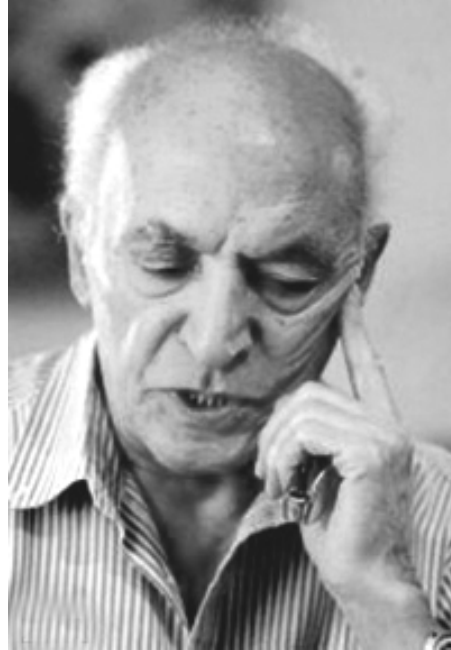


صدای جری لوییس به خاطره ها پیوست

ایسنا: حمید قنبری، پیشکسوت عرصه ی تئاتر، سینما و دوبله ی ایران، هفتم مهرماه در سن ۸۳ سالگی و به دلیل عوارض ناشی از سکته ی قلبی در تهران درگذشت.



پیکر حمید قنبری روز سه شنبه ۱۰ مهر بردستان اهالی تئاتر، سینما، دوبله و موسیقی کشور از مقابل خانه ی سینما تشییع و در قطعه ی هنرمندان ایران به خاک سپرده شد.

این هنرپیشه پیشکسوت تئاتر دهه ی ۲۰، از سال ۱۳۳۰ کار فیلم را شروع کرد و در حدود ۱۶ فیلم سینمایی به ایفای نقش پرداخت.

او خود را متعلق به تئاتر ایران می دانست نه رادیو، می گفت: نخستین کارش را خطیبی با نام «دستکش سفید» نوشته بود و بعد از آن در فیلم هایی چون «جدال با شیطان»، «زندگی شیرین است»، «لات جوانمرد»، «ستارگان می درخشند»، «عمو نوروز»، «انسان پرده»، «یک نگاه»، «بلبل مزرعه»، «عروس پشت پرده»، «بام عشق»، «دختر همسایه»، «بچه ننه» و... بازی کرد.

«مسافران مهتاب» به کارگردانی مهدی فخیم زاده آخرین بازی بود که در سال ۱۳۶۶ ساخته شد. او متولد ۲۶ فروردین ماه ۱۳۰۳، کوچه آبشار خیابان ری بود که پس از گذراندن دوره ی متوسطه در سال ۱۳۲۰ برای ادامه تحصیل به هنرستان صنعتی رفت و با افرادی چون محمدعلی جعفری و نصرت الله کریمی همکلاسی شد. همان روزها با کمک نصرت کریمی به هنرستان هنرپیشگی راه یافت.

این هنرمند سال ها در عرصه ی نمایش حضوری مستمر داشت و در بیش از ۸۰ تئاتر ایفای نقش کرد. اما صدای ماندگار او که شخصیت کمندی «جری لوییس» را ساخته است، حمید قنبری را به هنرمندی محبوب و دوست داشتنی در عرصه ی دوبله تبدیل کرد. قنبری همواره از کار دوبله به عنوان یکی از جالب ترین فعالیت هایش یاد کرده و مهم ترین کارش در این حوزه را همان دوبله صدای جری لوییس می دانست. وی به سادگی به جای جری لوییس بداهه گویی می کرد تا آکید داشت که شخصیت این بازیگر به خود او شبیه است. این هنرمند سینما و تئاتر اما به خاطر عوارض ناشی از کهولت سن، هفت سال آخر حیاتش خانه نشین شده بود در فعالیت های هنری و اجتماعی حضوری نداشت.



گفتگویی با حمید قنبری در سه سال پیش

حمید قنبری:

- «لاله زار» محلی برای خاکروبه ها شد...
- تاریخ به نسل من ظلم کرد...
- مردم امروز اطلاعی ندارند که اصل کار ما چه بوده است...
- من متعلق به تئاتر نه رادیو...
- کار ما جلوگیری از ساخت فیلم های مبتذل بود...
- من به جای جری لوییس فی البداهه گویی می کردم...

خبرگزاری دانشجویان ایران- تهران
همزمان با شروع کار، هنرستان هنرپیشگی که با مدیریت سیدعلی نصر، اداره می شد، اولین سالن تئاتر دائمی هم در محل خیابان لاله زار افتتاح شد. این سالن که بعدها

کردیم، دیدیم در اصلی خانه از خیابان لاله زار باز می شود و روی آن پلاک هنرستان هنرپیشگی قرار دارد. کسی که پیگیری کردیم، فهمیدیم که این هنرستان تازه شروع به کار کرده و مدیر آن فردی به نام سیدعلی نصر است، بعد فهمیدیم که کریمی هم از شاگردان تازه وارد هنرستان است. فردای آن روز جلوی کریمی را گرفتیم و گفتیم که ما را هم باید به مدیر هنرستان معرفی کنی ولی او در جواب گفت که از شروع سال چند ماهی گذشته و این امر غیرممکن است. خلاصه مجبور شدیم که از طریق رئیس هنرستان صنعتی تقاضای خود را مطرح کنیم و بالاخره به عنوان شاگرد هنرستان هنرپیشگی پذیرفته شدیم. دوره اول کلاس، مبانی تئوری بود که گذراندیم و قبول شدیم و بعد از آن دوره عملی نشستن در کلاس شد. از افتخارات ما در دوره عملی نشستن در کلاس های فن بیان عبدالحسین نوشین بود که فقط همان سال تشکیل شد و در آن زمان دوره درخشانی بود.

در هنرستان ما هم دوره افرادی چون محمدرضا زندگی، رضا رخشانی، ایرج ساوینز، محمدعلی سخی، نصرت کریمی و مصطفی اسکویی و... بودیم. قنبری با اشاره به فعالیت های عملی شاگردان هنرستان به ایسنا گفت: در نمایشنامه هایی که احتیاج به سیاهی لشکر داشت، از شاگردان هنرستان نیرو می گرفتند و تا یک سالی کار ما همین بود ولی مثل همیشه که یک موقعیت خوب، و یا شانس کاری باعث اوج و پیشرفت فردی می شود، در همان سالها برای من هم این موقعیت به وجود آمد.

معزالدیوان فکری که هم استاد موسیقی ما در هنرستان و هم کارگردان تئاتر بود، یک روز گفت که من به دفتر تماشاخانه تهران بروم. وقتی که رفتم، به من پیشنهاد داد که می خواهد نقش اول نمایشی را به من بدهد ولی من وحشت کردم، چون به مدت یکسال فقط نیزه بدست گرفته بودم و به عنوان سیاهی لشکر کار می کردم، پس تصور نمی کردم که از عهده این نقش به خوبی برآیم. از طرفی او قصد داشت تا علاوه بر نقش اول، خواندن و اجرای پنج قطعه اپورت را هم به من بدهد، همچنین هنرپیشه نقش اول زن که در کنار من در این تئاتر باز می کرد، بدری هورفر، بود که آن زمان هنرپیشه بسیار معروفی بود فقط با امثال گرمسیری و مجید محسنی و... بازی می کرد و تصور می کنم که او هم چندان راضی نبود که با من کار کند.

قنبری ادامه داد: با اجرای نقش اول در آن نمایش، که با استقبال هم روبرو شد، از آن به بعد در اکثر اجراها نقش اول را داشتم و این شانس باعث شد تا از برخی از هم دوره ای هایم جلوتر بیافتم. در همان زمان بعضی از فارغ التحصیلان و یا شاگردان هنرستان به گروه نوشین پیوستند ولی من همان جا در تماشاخانه تهران ماندم و در حدود ۸۰ نمایشنامه بازی کردم. هر چند که از بین این همه نمایشنامه فقط ۴۷ مورد را یادم است.

در تمام آن دوران نمایشهایی چون «محمدعلی بیک»، «مریض خیالی»، «جناب خان»، «آقا محمد خان قاجار»، «شاه عباس کبیر»، «ایمان»، «نافرمانی»، «نادر در فتح هندوستان»، «بازرس»، «انقلاب مشروطیت»، «دختر چوپان»، «نینا»، «احتکار شوهر»، «تاجر ونیزی»، «شارلوت»، «جاسوسه»، «بارگاه معاویه»، «فاجعه ماه مبارک رمضان»، «مرد آهنین»، «شوهرهای مریم خانم»، «توپاز طلاقی»، «قتل در تماشاخانه»، «رستاخیز»، «انگل های اجتماع»، «خانم کاملیا»، «دختر گلفروش»، «سرنوشت»، «جایزه»، «عاشق عاریه»، و... را در تئاتر تهران کار

کردیم. هر روزه تا پاسی از شب روی صحنه تئاتر بودم و وقتی به خانه می آمدم هم باید درس های هنرستان را حاضر می کردم. جمعه ها تمام وقتم برای خواندن قطعات و یا آهنگ های پاپ و یا اجرای پیش پرده پر بود. حتی یادم است برنامه ها به قدری فشرده بود که هم زمان با چندمین سال تولد مولیر، نمایشنامه ای از او را هم زمان با کمندی فرانسه اجرا می کردیم و حتی خیاط ها هم تا چندین ماه زحمت می کشیدند تا لباس ها را مطابق زمان مولیر و با همان سبک کلاسیک بدوزند.

افرادی که برای تماشای این نمایش می آمدند، معتقد بودند که اگر ما فرانسوی حرف می زدیم، هیچ تفاوتی با اجرای اصلی در فرانسه نداشتیم.

البته دكور ما آن جلال و شکوه کمندی فرانسه را نداشت ولی در عین حال روی جزء جزء میزانشن ها کار شده بود و از نظر تکنیک های بازیگری و کارگردانی تفاوتی با آنها نداشتیم فقط در این میان کسی نبود که ما را حمایت کند. قنبری در ادامه با اظهار تأسف و ناراحتی از نبود منابع مکتوب و نسخه هایی از اجراهای پر شکوه دهه بیست، گفت: امروز ما هیچ نمایشنامه مکتوب و یا عکسی از اجراهای آن دوران نداریم، چون همه چیز ما سوخت، در حالیکه ما در آن دوران چندین نمایشنامه از مولیر و شکسپیر بازی کردیم که امروزه هیچ گروهی قادر به اجرای آن نیست.

در واقع ما نسل سوخته تکنولوژی هستیم، چون در آن زمان ویدئو و ضبط صوت نبود و ما هیچ اثری از کارهایمان نداریم حتی اجراهای رادیویی آن زمان هم زنده بود. در حالیکه امروزه حتی سر تریونات هم با دوربین فیلمبرداری همه چیز را ضبط می کنند و ما در آن زمان فقط در شب اول یک اجرای عمومی می گذاشتیم عده ای را دعوت می کردیم تا نمایش را ببیند و نقد کنند و عکاسی هم همان شب اول عکسهایی را که می گرفت که در تالار و برای جذب مخاطب می گذاشتیم. وی اضافه کرد: در آن زمان چندان رسم نبود که روزنامه نگاران با هنرمندان مصاحبه کنند، و تنها تهران مصور یک عکس از من و مجید محسنی را با هم کار کرد به همین دلایل است که افرادی که بعد از سالهای ۳۲ آمدند، هیچ اطلاعی از کارهای ما ندارند مگر آنهایی که زمانی همراه ما با روی صحنه کار می کردند و به واقع تاریخ به ما ظلم کرده است.

قنبری ادامه داد: مردم امروز اطلاعی ندارند که اصل کار ما چه بوده و تنها تصور می کنند که ما آن زمان پیش پرده می خواندیم، در حالیکه پیش پرده خوانی و... جزو کارهای دست پنجم ما حساب می شد. حتی امروز وقتی نام نمایشنامه هایی را که اجرا کرده ایم را می گویم هیچ کارشناس و علاقه مند به تئاتر باور نمی کند، پس این از بدشانسی این نسل بوده که در چنین دورانی پای به کار حرفه ای گذاشتیم.

این هنرپیشه پیشکسوت تئاتر در ادامه با اشاره به دلایل افول فعالیت های لاله زار در دهه بیست به ایسنا گفت: جابجایی جمعیت مهمترین دلیل برای افول تئاتر لاله زار است. در دهه بیست وقتی وارد لاله زار می شدید درست مثل خیابان شانزه لیزه شکوه داشت، مردم آن زمان برای قدم زدن هم به لاله زار می آمدند، اما امروز این اتفاق نمی افتد چون رأس ساعت ۸ تمام خاک روبه ها را می آوردند و به آنجا می ریزند! همین جابجایی هم باعث شد تا تئاتر سعدی را در خیابان شاه آباد درست کنند.

دنباله مطلب در صفحه ۳۵



کترینگ

شاخه زیتون

تهیه غذاهای ایرانی با بهترین مواد و سبزیجات تازه

باقلا پلو با گوشت بره، انواع خورشت، پلو، کباب و پیش غذا
(کو کو، سالاد الویه، میرزا قاسمی، کشک و بادمجان، ماست و خیار و موسیر،...)

سالها تجربه در آشپزی ایرانی پشتوانه کیفیت عالی سفارشات شماست.



(925) 639-1960

1350 Arnold Drive #108, Martinez, CA 94553